

امپریالیسم و صهیونیسم، دشمنان مشترک خلق‌های منطقه

اشرف دهقانی

مردم جهان امروز شاهد جنایات و قساوت‌های هولناک از سوی دولت نژادپرست اسرائیل علیه مردم بی‌دفاع و غیرنظامی فلسطین هستند.

در اثر بمباران‌های وحشیانه ارتش اسرائیل، صحنه‌های بسیار دلخراشی از کشتار مرد و زن و کودک فلسطینی در نوار غزه ایجاد شده است. کودکان مجروح و آغشته به خون در آغوش بزرگسالانی که ناامیدانه به این سو و آن سو می‌دوند، خانه‌های ویران شده و اجساد به‌جا مانده از کشته شدن انسان‌های ساکن آن خانه‌ها، زخمی‌هائی که در شرایط جنگی بسیار قساوت آمیز، امیدی به معالجه‌شان نیست، آواره شدن توده عظیمی از مردم بی‌پناه که دولت صهیونیست اسرائیل آواری از مصیبت بر سرشان سرازیر کرده است و در همین حال بستن راه غذا و آب و سوخت به‌روی مردمان سرزمینی که "بزرگترین زندان باز جهان" لقب گرفته است، این جنایات هیچ‌کدام با قلم به توصیف در نمی‌آیند. اکنون این مردم بی‌دفاع در بیم امکان لشکر کشی ارتش اسرائیل به نوار غزه و یک نسل کشی دیگر شب و روز خود را به سر می‌رسانند.

دولت اسرائیل از دیرباز خود را به مثابه سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه، به مردم آگاه و هشیار جهان شناسانده است. صهیونیست‌های حاکم بر اسرائیل، همواره با ایجاد بحران در خاورمیانه، به امپریالیسم آمریکا امکان فروش اسلحه در مقیاسی کلان و رونق دادن به صنایع نظامی خود و میلیتاریزه کردن این منطقه را داده‌اند. در حقیقت، اسرائیل پایگاه و دژ آمریکا در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. اهمیت منافع‌ی که دولت نژادپرست اسرائیل برای آمریکا فراهم می‌سازد در حدی است که گاه رؤسای جمهور آمریکا بر این واقعیت که اسرائیل پنجاه و دومین ایالت آمریکاست صحنه گذاشته‌اند. از جمله زمانی، رونالد ریگان از اسرائیل به عنوان "ناو هواپیما بر آمریکا در خاورمیانه" نام برد. جرج بوش، در سال ۲۰۰۶ که مردم لبنان و فلسطینی‌های ساکن در این کشور مورد حمله ارتش اسرائیل قرار گرفتند، به گزارش روزنامه نگار فرانسوی، تیری میسان، مطرح کرد که "آنچه در حال حاضر در لبنان و فلسطین می‌گذرد، یک عملیات اسرائیلی مورد حمایت آمریکا نیست؛ بلکه یک عملیات آمریکائی‌ست که بوسیله اسرائیل انجام می‌پذیرد". یا جو بایدن که امروز بر مَسند ریاست جمهوری آمریکا نشسته است در سال ۱۹۸۴ ضمن تأیید و دفاع از سرمایه‌گذاری ۳ میلیارد دلاری آمریکا جهت کمک به اسرائیل، به وضوح بر این واقعیت که اسرائیل چماق دست امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه می‌باشد صحنه گذاشت و تأکید کرد که "اگر اسرائیل وجود نمی‌داشت، ایالات متحده آمریکا می‌بایست اسرائیل دیگری می‌ساخت تا از منافعش در منطقه حفاظت کند".

امروز مقامات آمریکا و شرکای امپریالیست‌اش بدون هیچ تلاشی برای لاپوشانی چهره جنگ طلب خود، جنایات وحشیانه ارتش اسرائیل علیه مردم غیر نظامی غزه به خصوص علیه کودکان را آشکارا مورد حمایت و پشتیبانی خود قرار داده و بر تداوم این جنگ هولناک علیه توده‌های غیرنظامی فلسطین پای می‌فشارند. در این میان بایدن، رئیس جمهور فعلی آمریکا درجه وقاحت را به حدی رساند که مطرح کرد که آمریکا باید به جای موشک‌های پرتاب شده به غزه، (که می‌دانیم غزه را ویران و کودکان و افراد غیرنظامی را در خون غوطه‌ور ساختند)، موشک‌های جدیدی در اختیار دولت اسرائیل قرار دهد. به این ترتیب امپریالیسم آمریکا و شرکاء، دست دولت اسرائیل را باز گذاشته‌اند تا با

دستاویز کشتار خونین شهروندان اسرائیلی توسط حماس، که به نوبه خود محکوم است، یازده سپتامبر دیگری را برای خاورمیانه تدارک دیده و وعده آتش‌افروزی بزرگتری را در خاورمیانه بدهد و خواست اشغال کامل نوار غزه را فریاد بزند.

اما، در این میان موضوع قابل تأکید آن است که اگر جرج بوش در سال ۲۰۰۱ با دستاویز قرار دادن واقعه یازده سپتامبر، جنایات جنگی خود علیه توده‌های تحت ستم عراق و افغانستان را با ادعای اعطای دموکراسی و آزادی به مردمان آن کشورها توجیه می‌کرد، امروز همپالگی‌های وی علناً "حقوق بشر" ادعائی خود را نیز زیر پا گذاشته و با تأیید همه وحشی‌گری‌ها، شرارت‌ها و قساوت‌های دهشتناک ارتش و دولت اسرائیل و از جمله قطع هرگونه منبع حیات به روی توده‌های فلسطینی و استفاده از فسفر سفید برای کشتار مردم، مشوق این نیروی جنایتکار گشته و عملاً ایجاد هولوکاستی بدتر از هولوکاست هیتلر در نوار غزه را در دستور کار خود قرار داده‌اند. به راستی چه شرایطی در جهان تحت سلطه امپریالیست‌ها، آنها را وادار به بیان این حد از وقاحت و نمایش چهره واقعی خود نموده است؟

به یاد آوریم که سرمایه‌داران (بورژوازی) وقتی در سال ۱۷۸۹ قدرت سیاسی را در فرانسه کسب کردند، در چنان شرایط مطلوبی قرار داشتند که می‌توانستند حتی مروج اندیشه‌های روشنگرانه و دموکراتیک اندیشمندانی چون ولتر و ژان ژاک روسو گردند. اما امروز که سیستم سرمایه‌داری در بستر مرگ محتوم خویش افتاده است، لاجرم سرمایه‌داران امپریالیست در چنان مخمصه‌ای قرار گرفته‌اند که جز با توسل به ارتجاعی‌ترین ابزارها و رسواترین اندیشه‌ها، همچون بنیادگرایی یهودی و بنیادگرایی اسلامی قادر به حفظ بقای خود و تداوم نظام گندیده سرمایه‌داری امپریالیستی نیستند. این است دلیل همه وقاحت‌ها و رذالت‌های مقامات امپریالیسم و وابستگان صهیونیست‌شان. دنیای سرمایه‌داری امپریالیستی در وضعیتی است که حاکمین به سختی قادر به استتار چهره جنایتکار خود هستند.

واقعیت این است که صهیونیسم و امپریالیسم، دشمنانی که امروز خلق رزمنده فلسطین را مورد تهاجم وحشیانه خود قرار داده‌اند، دشمن مشترک همه خلق‌های خاورمیانه می‌باشند. از این رو مبارزه هر یک از خلق‌های این منطقه علیه امپریالیسم و صهیونیسم در مدار مبارزه برای تضعیف و در نهایت نابودی دشمن مشترک قرار دارد. بر این اساس باید گفت که سرنوشت خلق محروم اما رزمنده فلسطین با سرنوشت دیگر خلق‌های منطقه گره خورده است. در اینجا باید به طور مشخص از بنیادگرایی اسلامی، این ابزار گسترش سلطه امپریالیسم در منطقه نیز سخن گفت که در رابطه با توده‌های تحت ستم فلسطین در قالب دار و دسته‌های وابسته و ارتجاعی نظیر حماس و جهاد اسلامی و حزب الله همچون بختکی بر جان این توده‌ها و جنبش حق طلبانه آنها انداخته شده‌اند. اینان که برای انحراف و به محاق بردن مبارزه توده‌ها به هر عمل ضد انقلابی‌ای دست می‌زنند خود مانع دیگری در مقابل جنبش آزادیبخش و انقلاب مردم فلسطین می‌باشند. بسیاری از نیروهای سازشکار در جنبش، همواره برای رهائی مردم فلسطین از شرایط ظالمانه‌ای که در آن قرار گرفته است مذاکره با دولت نژادپرست اسرائیل که در عمل نشان داده به هیچ قراردادی پایبند نیست را تجویز کرده و می‌کنند. اما در واقعیت امر، رهائی این خلق در گرو نابودی سلطه امپریالیسم و صهیونیسم در خاورمیانه می‌باشد. این تنها چشم‌انداز واقعی است که با مبارزه خلق

رزمنده فلسطین همراه با دیگر خلق‌های منطقه متحقق می‌گردد. در چنین صورتی، مردمان فلسطینی می‌توانند در یک شرایط دموکراتیک در سرزمین آباء و اجداد خود همراه با دیگر ساکنین این سرزمین در صلح و آرامش زندگی کنند. واقعیت این است که همه خلق‌ها در خاورمیانه در مقابل دشمن مشترک قرار دارند و مبارزه قاطع هر یک از آنها و از جمله مردم مبارز ایران با این دشمن که از کانال مبارزه با رژیم‌های وابسته به امپریالیسم در کشور خود صورت می‌گیرد، راه را برای آزادی این یا آن خلق در منطقه تسهیل نموده و می‌گشاید. این هم‌سرنوشتی، مسلماً باید باعث شود که هر انسان آزادیخواه و هر نیروی انقلابی در خاورمیانه، امروز به درجه اهمیت پشتیبانی از مبارزات مردم فلسطین واقف گشته و به هر شکل ممکن از توده‌های فلسطینی در غزه که با جنایت‌بارترین روش‌ها مورد تهاجم امپریالیسم و صهیونیسم قرار گرفته‌اند، حمایت کند. سرانجام، پیروزی از آن خلق‌های تحت ستم و شکست و رسوایی، فرجام دشمنان رنگارنگ آنهاست.

۱۶ اکتبر ۲۰۲۲ ، برابر با ۲۴ مهر ۱۴۰۲